

متن پرسش

بسم الله سلام: همیشه به مرور و اشاره دیگری و باب دیگری به نیهیلیسم و ایمان باز کرد که باز بتوان به خویش نگریست و به عهده گرفت و از پای ننشست. مباحث نیست انگاری که مطرح شده رو دنبال کردم. حتی مباحث ایمان ائمه و عرفا را نیز و مباحث دیگر خودتان و دیگر بزرگان. شاید هنوز درک درستی و یا حتی هیچ درکی از آن ندارم. اما این به هیچ رسیدن‌ها. این بی‌ثمر بودن‌ها. این گذران عمر بی هیچ درکی از راه و راه‌ها، همین که الان جمعه است. آری جمعه. دوباره شنبه تا پنج‌شنبه را با وجود نخوابیدن‌ها و صبح تا شب دویدن و فکر و کار علمی و کار مهندسی کردن، همه را هیچ دانستن و بی‌ثمر و پراکنده دانستن (و نه دانستن که نگاه که می‌کنم واقعا هیچ کاری نکرده‌ام) و حال که جمعه است، یک گوشه افتادن و فشار بر جان را تحمل کردن. اینگونه بودن را چه بنامیم. من حتی ابا دارم که نامش را نیهیلیسم بگذارم و خود را از سر خود باز کنم. دنبال معنی و مفهوم نیستم، ولی بر این احوالات که داریم، این حالات که در وجود خویش مشاهده می‌کنیم، چه نامی بگذاریم؟ شاید به قول شما باید اندیشه را به افق جدیدی که گشوده شده است و تاریخ جدیدی که حضرت روح الله آغاز کرد و انقلاب اسلامی نام گرفت، سوق داد و متذکر کرد تا بتوان عبور کرد. شاید این سوال بی‌وجه است که بگویم چگونه؟ اما چه کنیم شاید همین‌ها انتظار است، تحمل این‌ها که قابل تحمل نیست معنای صبر و منتظر بودن است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ملاحظه می‌فرمایید که ماییم و آنچه در این آخرین دوران، بشر آخرالزمانی با آن روبروست و نادیده‌گرفتن آن به هر بهانه‌ای که باشد نوعی خودفریبی و دروغ‌گفتن به خود است. هنر بزرگ ما در این زمانه روبروشدن با همین حضور است. در این صورت است که آری! «اسلام» با هویت نظر به آخرالزمانی آن. و آری! حضرت محمد «صلی‌الله‌علیه‌وآله» و نماد انسان آخرالزمانی در آن حضرت و نسبت ما با او. و آری! ابن عربی و صدرا و حضرت روح الله و شهدا و ما ادراک ما الشهداء.

<https://eitaa.com/salambarebraHem/99858> موفق باشید